

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

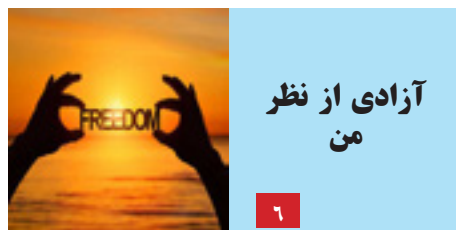
- رژیم ایران با افترا درصدد است مبارزات برحق ما را وابسته به بیگانگان جلو دهد
- خشک شدن رودخانه «سیمره» زیان به کشاورزی مردم را در پی داشته است
- رژیم ایران از چهار مسیر عمده اردن را تهدید می کند
- عراق در وضعیت انقلابی قرار گرفته است

www.kurdistanmedia.com

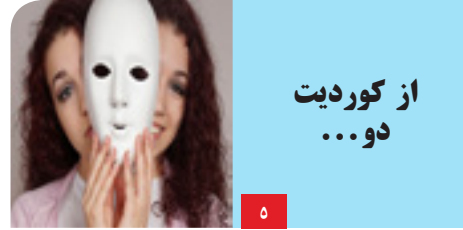
شماره ۸۷۸ شنبه ۱۵ مردادماه ۱۴۰۱، ۶ آگوست ۲۰۲۲



پیامدهای
ژئوپلیتیکی و ...



آزادی از نظر
من



از کوردیت
دو ...



ایدئولوژی
چیست؟

سخن

یکی شدن

کریم پرویزی

نشست مشترک رهبری دو طرف حزب دمکرات برگزار شد

انگیزه‌های متفاوتی برای دور هم جمع شدن و با هم کار کردن وجود دارد تا دیدگاه‌های متفاوت در یک سنگر کار کنند و زندگی خود را برای تحقق هدف مشخص شده، وقف کنند؛ خیلی وقتها ممکن است ارتباط فامیلی یا شاید هویتی منطقه‌ای یا بزرگتر از آن، بخشی از یک سرزمین یا حتی هویتی همه‌گیرتر جامعه‌ای بهانه‌ای برای باهم بودن باشد. ممکن است منافع متفاوت انسانها در نقطه‌ای و دریچه‌ای خاص همپوشانی پیدا کرده و این افراد باهم برای تحقق هدف غایی که مصلحت همه در آن است، مبارزه کنند. محتمل است که اندیشه و فکری مشترک متحدشان کند و دست در دست هم برای آن هدف مشترک فعالیت کنند.

هر کدام از این محرکها و بهانه‌های متفاوت که برای اتحاد وجود دارد، ممکن است در برداشتی کلی همه یکسان به نظر برسند که هدف نهایی گردهن انسانها به هویتی بزرگتر از فرد است که از آن معمولا به عنوان گروه و سازمان یاد می‌شود، اما مطمئنا هر کدام از این دلایل، پدیده‌های متفاوت و نتیجه‌های مختلفی در پی دارند.

آنچه که اهمیت دارد حزب دموکرات در میان این همه عوامل، یا به تعبیری دیگر در میان این همه مشوق و انگیزه‌ها چند بعد متفاوت و انگیزه مختلف موجب تشکیل آن و در ادامه مبارزاتش نیز رشد کرده و علل متحد کردن افراد حزبی که به آنها اعضا گفته می‌شود، بیشتر شده و همچون پدیده‌ای سیاسی به کاراکتری زنده مبدل گشته که طی چندین دهه تداوم داشته و مدام نیز در حال ترقی است.

علل اجماع انسانها در سازمانی همچون حزب دموکرات که چند روز آینده ۷۷ سال از زمان تاسیس آن می‌گذرد، متفاوتند و ممکن است این دلایل مختلف، در برخی از دوران حساس به عنوان عامل

ادامه در صفحه ۳



ما دو طرف حزب دمکرات به دلیل جدایی از یکدیگر طی این مدت، هرکدام به طور جداگانه مبارزه و فعالیت نموده‌ایم، با این حال مفتخریم که به‌طور جدی و پیگیرانه علیه جمهوری اسلامی مبارزه کرده، مسله کورد در ایران و تاریخ پرافتخار مشترکمان را نمایندگی کرده و اکنون نیز برای تقویت و تحکیم موقعیت ملت کورد و برداشتن گامهای مؤثر در به سرانجام رساندن مبارزات ملتمان، صفوف خود را یکپارچه و متحد می‌نماییم.

نشست مشترک رهبری دو طرف حزب دمکرات پس از کنکاش و بررسی مراحل نهایی روند اتحاد و دادن نوید اعلام نهایی به فرجام رسیدن این روند در آینده‌ای نزدیک، به کار خود پایان داد.

مضاعفی به جنبش حق طلبانه‌ی ملتمان بدهیم. آقای خالد عزیزی، دبیرکل حزب دمکرات کوردستان نیز در سخنان خویش به این مسله اشاره نمود که آنچه تاکنون هیئت‌های مذاکره‌کننده‌ی دو طرف با کمک و حمایت فکری رهبری طرفین جهت رساندن روند اتحاد دمکراتها به مراحل نهایی خویش، انجام داده‌اند، ناشی از وظیفه‌شناسی و احساس مسئولیت تاریخی و مبارزاتی آنان بوده است، لیکن آنچه که در آینده‌ی مبارزات مشترکمان در صفوف واحد و برای نیل به اهداف جنبش برحقمان، بر دوش همگی ما سنگینی می‌کند، تعهدی است که بایستی همواره بدان پایبند باشیم. ایشان در ادامه‌ی بیانات خود، به این موضوع اشاره نمود که گرچه

و فعالیت حزب دمکرات را مورد اشاره قرار دادند. آقای هجری در بیانات خود بر این مسأله تاکید نمود که با همت و وظیفه‌شناسی همگان، صفوف حزب دمکرات را یکپارچه نموده و مرحله‌ی نوین و امیدبخشی از تقویت روند مبارزات حزمان در کوردستان ایران جهت تأمین حقوق پایمال شده‌ی ملتمان در ایران را آغاز می‌کنیم. ایشان ضمن اشاره به زیانها و خسارات جدایی (انشقاق) در صفوف حزب و ضربه‌ای که به اتحاد مبارزاتی و تلاشهای حزب دمکرات وارد شد، بر این نکته تاکید نمود که بایستی با اتحاد مجدد در صفوف حزب دمکرات و به هم پیوستن توان مبارزاتیمان، هم زیانهای مرحله‌ی جدایی (انشقاق) را جبران نماییم و هم انرژی و توان

در این گزارش، ضمن اشاره‌ی دقیق به پیشرفت‌های مهم و دستاوردهای قابل توجهی که در خلال روند اتحاد حاصل شده‌اند، جزئیات آخرین مراحل روند اتحاد به منظور اطلاع بیشتر اعضای رهبری دو طرف حزب دمکرات، تشریح گردید. در بخش دوم نشست نیز، آقایان مصطفی هجری، مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران و خالد عزیزی، دبیرکل حزب دمکرات کوردستان ضمن قدردانی از تلاش خستگی‌ناپذیر هیئت‌های مذاکره‌کننده و همچنین جدیت رهبری هر دو طرف حزب دمکرات در به نتیجه رساندن روند دشوار، ولی امیدبخش اتحاد مجدد دمکراتها، دورنمای کار و فعالیت حزب دمکرات کوردستان ایران متحد، وظایف و تعهدات مربوط به مراحل پیش روی مبارزه

در نشست مشترک رهبری دو طرف حزب دمکرات آخرین مراحل مسأله‌ی اتحاد مجدد دمکراتها مورد بررسی قرار گرفت. بعد از ظهر روز سه‌شنبه، ۱۱ مرداد ماه اعضای رهبری حزب دمکرات کوردستان ایران و حزب دمکرات کوردستان به منظور بحث و بررسی پیرامون مراحل نهایی روند اتحاد دمکراتها گرد هم آمدند. در این نشست، از جدیت و پشتکار هیئت‌های مذاکره‌کننده‌ی هر دو طرف حزب دمکرات در به فرجام رساندن فرایند اتحاد دمکراتها تجلیل به عمل آمد. در نخستین بخش از نشست مزبور، مسئولین هیئت‌های مذاکره‌کننده‌ی دو طرف دمکرات آخرین گزارش خود را در رابطه با روند گفتگوها به منظور اتحاد مجدد خانواده‌ی بزرگ حزب دمکرات تقدیم نمودند.

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران: رژیم ایران با افترا در صدد است مبارزات برحق ما را وابسته به بیگانگان جلو دهد

جمعه ۷ مرداد، مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران طی بیانیه‌ای تهمت و افتراهای افیر (رژیم) ایران علیه جنبش ملی - دموکراتیک ملت کورد را مکتوم کرد.

متن این بیانیه به شرح زیر است:

در روزهای اخیر بعد از انتشار اعلامیه حزب کومه‌له کوردستان ایران در باره دستگیر شدن تعدادی از پیشمرگان این حزب در حال انجام وظایف تشکیلاتی در کوردستان ایران، هجومی گسترده از سوی اداره اطلاعات و دستگاه های مربوطه جمهوری اسلامی شروع شد که فعالیت آن تعداد پیشمرگ دستگیر شده را به عوامل بیگانه و ارتباط با اسرائیل نسبت دادند. افترا زدن و متهم کردن هر صدای آزاد و هر روند مبارز در کوردستان به ارتباط با کشورهای بیگانه، یکی از اصلی ترین سیاستهای

تهمت ارتباط با اسرائیل را متوجه جنبش کوردستان و احزاب کورد نمایند.

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران این سناریو سازی و اتهامات بی اساس جمهوری اسلامی را به شدت محکوم کرده و این اعمال را دلیل بر بی مایگی و ذلالت مسئولین رژیم می داند. بر همگان مبرهن است که کورد و جنبش برحق آن نشاط گرفته از سالیان دراز ستم و حق کشی است که در مدت حاکمیت جمهوری اسلامی در کوردستان پیاده شده است و سناریوسازی و اتهامات از این دست علیه جنبش کورد و احزابش بجز ورشکستگی سیاسی این رژیم بیشتر نیست.

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران

۷ مرداد ۱۴۰۱

خشک شدن رودخانه "سیمره" زیان به کشاورزی مردم را در پی داشته است



بر اساس اخبار منتشر شده در خبرگزاری های محلی رودخانه "سیمره" با کاهش آب مواجه و در برخی نقاط خشک شده است که زیان به کشاورزی مردم منطقه را در پی داشته است.

طبق این اخبار کشاورزی مردم شهرهای "کویه‌شت" از توابع استان لورستان و شهر "سیروان" از توابع استان ایلام در پی خشک شدن این رودخانه با زیان فراوانی مواجه شده است.

رودخانه "سیمره" در نهاوند سرچشمه گرفته و پس از عبور از استان های "همدان، کرمانشاه، لورستان و ایلام" به خوزستان می‌رسد که با بیش از ۷۵۰ کیلومتر درازا به عنوان طولانی‌ترین و پرآب‌ترین رودخانه زاگرس به شمار می‌آید.

پرابی این رودخانه و دشت‌های حاصلخیز حاشیه آن دلیلی برای

انتخاب کشاورزی از سوی مردم این منطقه به عنوان منبع درآمد می‌باشد که انتقال آب زاگرس به کویر ایران و شهرهای فارس نشین آن، سدسازی و دیگر سیاست‌های ضد زاگروسی رژیم ایران در قبال این جغرافیا منجر به آسیب‌های جبران ناپذیری به کشاورزی این مردم شده است.

قطعی آب در بخش عمده‌ای از شهر کرمانشاه

خبرگزاری‌های رژیم گفته است، این مشکلات تا پایان تابستان سال جاری رفع خواهند شد.

ادعاهای بی اساس و عوام فریبانه این مسئول رژیم در حالی است که طی روزهای اخیر اخباری در رابطه با خشک شدن چندین رودخانه و تالاب در "کرمانشاه" منتشر شده است.

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب رژیم ایران در "کرمانشاه" طی مصاحبه‌ای از مشکل افت فشار و قطعی آب در مناطق جنوب و جنوب غربی این شهر خبر داده است.

"رضا داودی" مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب رژیم در "کرمانشاه" در گفتگو با یکی از

بیانیه سه تشکل سیاسی درباره دستگیری تعدادی از پیشمرگ‌های حزب کومه‌له کوردستان ایران

سازمان اطلاعات رژیم اسلامی آن را تکذیب کرد، این خبر را صرفاً برای جوسازی بر علیه مبارزات برحق مردم ایران و خوراکی جهت مصارف داخلی و تشدید هر چه بیشتر سرکوب در کوردستان و دیگر مناطق ایران می‌دانیم.

به اطلاع مردم ایران هم می‌رسانیم که ادعا وابستگی اپوزیسیون به کشورهای متفاوت صرفاً پوششی برای سرکوب بیشتر و راهی برای فرار جمهوری اسلامی از واقعیت‌های امروز ایران است.

ما از سازمان‌ها و احزاب دمکراتیک و آزادی‌خواه ایران، مراجع بین‌المللی و نهادهای حقوق بشری می‌خواهیم تا در مقابل این سناریوسازیهای معمول و تکراری سکوت نکرده و با محکوم کردن آن، همبستگی خود با مبارزات مردم ایران برای رهائی از این رژیم دد منش و رسیدن به آزادی و دمکراسی را بیش از پیش تقویت کنند.

کنگره ملیت‌های ایران فدرال

شورای دمکراسی خواهان ایران

همبستگی برای آزادی و برابری در ایران

۹ مرداد ۱۴۰۱ خورشیدی

و دولت‌های خارجی وصل کند و مسلماً تنها هدف از این مسئله مشروعیت بخشیدن به سرکوب مخالفین داخلی است.

بر همگان روشن است که جمهوری اسلامی در داخل ایران با دهها بحران بزرگ و کوچک روبرو است و در همین زمان بسیاری از شهر ایران درگیر سیلاب شده است که طبق گفته کارشناسان، رفتار حکومت در مدیریت محیط زیست ایران یکی از عوامل اصلی این سیلاب‌ها و خسارت‌های جانی و مالی ناشی از آن است. همچنین حکومت ایران در روابط بین‌المللی با بحران روبرو است و بیش از پیش مردم عراق و لبنان خواهان عدم مداخله و خروج حکومت اسلامی از کشورشان هستند.

آشکار است که حکومت اسلامی برای سرپوش گذاشتن بر بحران‌های عدیده داخلی و یافتن مستمسکی برای تشدید سرکوب به سناریوهای هالیوودی پناه آورده است و ادعاهای مضحک و دروغین رابطه با کشورهای خارجی و اسرائیل را دوباره تکرار کرده است. ما احزاب و تشکل‌های این سه ائتلاف، مبارزه علیه جمهوری اسلامی را حق مسلم مردم ایران می‌دانیم و دستگیری اعضای حزب کومه‌له کوردستان ایران را محکوم می‌کنیم.

ما همچون حزب کومه‌له کوردستان ایران، که پس از انتشار بیانیه

کنگره ملیت‌های ایران فدرال، شورای دمکراسی خواهان ایران و همبستگی برای آزادی و برابری درباره دستگیری تعدادی از پیشمرگ‌های حزب کومه‌له کوردستان ایران بیانیه‌ای را منتشر کردند.

متن بیانیه بدین شرح است:

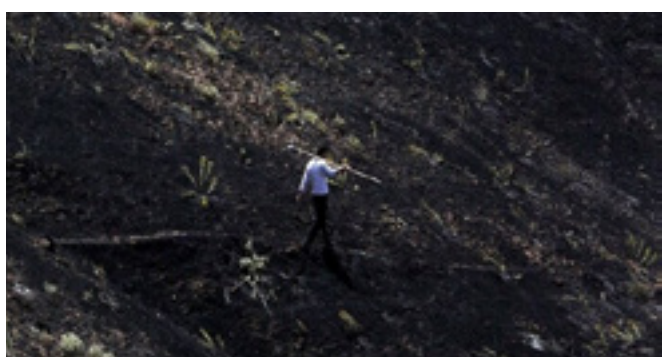
اطلاعیه درباره دستگیری تعدادی از پیشمرگ‌های حزب کومه‌له کوردستان ایران، که جهت انجام کارهای تشکیلاتی و تبلیغاتی در استان آذربایجان غربی در تردد بودند، از طرف نیروهای رژیم جمهوری اسلامی دستگیر شدند. وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی روز چهارشنبه، پنجم مرداد، طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که «تیم تروریستی اعزام شده از سوی موساد» اسرائیل برای «انفجار و خرابکاری در ایران»، اعضای حزب کومه‌له کوردستان ایران هستند.

این بار اول نیست که حکومت اسلامی تلاش می‌کند تا با اتهاماتی دور از واقعیت و جعلی و اخباری دروغین، خواست برحق مردم ایران و مبارزات آنها برای آزادی و دمکراسی را در سطوح مختلف به نیروهای خارج از ایران

در پی آتش‌سوزی در جنگل‌های "دالاهو" بیش از ۲۰ هکتار از آن طعمه آتش و بسیاری از گونه‌های کمیاب جانوری و درختی این جنگل‌ها نیز در پی این آتش سوزی تلف شدند.

در همین رابطه "کیومرث جلیلیان" سرپرست فرمانداری رژیم ایران در "دالاهو" گفته این آتش سوزی بیش از ۲۰ هکتار از ارتفاعات جنگلی و مرتعی منطقه "سرخه دیزه" این شهرستان را از بین برد. از سوی دیگر ساکنان این منطقه در فضای مجازی اعلام کردند که عناصر رژیم باعث آتش‌سوزی این جنگل‌ها شدند. رژیم ایران کوردستان را اشغال

۲۰ هکتار از جنگل‌های دالاهو طعمه حریق شد



غرب کرمانشاه واقع شده که دارای ۱۵۵ هزار هکتار مرتع و جنگل است و گونه‌های درختی این جنگل‌ها شامل: " بلوط، افرا، کیکم، بنه، زبان گنجشک، گلایی وحشی، ارغوان، انواع بادام می‌باشد.

کرده و درصدد است هرچه را که می‌تواند از این پیکره بکند و روانه شهرهای فارس نشین بکند و هر آنچه را که نیز نمی‌تواند ببرد همچون این جنگل‌ها به آتش می‌کشد. شهر "دالاهو" در ۱۰۰ کیلومتری

کسب مدال افتخار مسابقات "HIPA" توسط عکاس سقزی

به موضوع امسال این جشنواره توانست جایزه اول آن را به خود اختصاص دهد.

مسابقه عکاسی "HIPA" با جایزه ۴۵۰ هزاردلاری یکی از گران‌ترین جوایز بین‌المللی عکاسی است.

از مسابقات (HIPA) در مورد محیط زیست بوده است. عکاسانی از سراسر جهان در این جشنواره شرکت کرده و در بخش‌های مختلف به رقابت پرداخته‌اند. "سلیمان محمودی" عکاس سقزی با ارسال عکس‌هایی مربوط

"سلیمان محمودی" عکاس و هنرمند اهل شهر "سقز"، برنده مسابقه بین‌المللی عکاسی حمدان بن محمد بن راشد آل مکتوم (HIPA) شده است. این مسابقه هر ساله با موضوعی خاص در امارات متحده عربی برگزار می‌شود و موضوع این دوره

خودزنی‌های سیاسی در درون رژیم ایران ادامه دارد



می‌گرفت مخالف بود. این مسئول پیشین رژیم ایران، آخوند "موسوی خوئینی‌ها و آخوند موسوی اردبیلی" که از مسئولان ارشد دستگاه قضایی رژیم در سال ۶۷ بودند را بی‌نقش در آن اعدام‌ها خوانده و بر نقش پر رنگ آخوند ری شهری تاکید کرده و گفته است "ابراهیم رئیسی، مصطفی پورمحمدی، حسینعلی نیری و مرتضی اشراقی" در کشتارهای دهی ۶۰ نقش داشته‌اند.

در این دور از خودزنی‌های سیاسی در درون رژیم ایران آخوند "سید حسین موسوی تبریزی" دادستان کل پیشین رژیم و رئیس کل پیشین دادگاه‌های انقلاب رژیم در تبریز و ارومیه در گفتگو با یکی از خبرگزاری‌های رژیم اطلاعات سوخته‌ای را به منظور مبرا نشان دادن خود گفته است.

در این مصاحبه آخوند تبریزی گفته است در اعدام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ هیچ نقشی نداشته است.

اشارات آخوند تبریزی به دادگاه استکهلم و پرونده تروریست "حمید نوری" در این مصاحبه نشان می‌دهد که محاکمه تروریست "نوری" اطلاعاتی را در مورد نقش برخی افراد در اعدام‌های سال ۶۷ را آشکار کرده که دلیل اصلی مصاحبه با آخوند تبریزی بوده است.

نامبرده با بیان این که من در زمان آن اعدام‌ها دیگر در قوه قضائیه مسئولیتی نداشتم سعی در مبرا نشان دادن خود داشته و در ادامه اتهامات وارده را به آخوند "محمد محمدی ری شهری" نسبت داده است. دادستان کل پیشین رژیم ایران در رابطه با نقش آخوند "منتظری" در آن اعدام‌ها نیز گفته است، منتظری با اعدام مخالف نبود تنها با شیوه اعدام‌ها که دسته جمعی صورت

عفو بین‌الملل: رژیم ایران علنا معترضان را به رگبار می‌بندد



نیروهای سرکوبگر رژیم معترضان را به رگبار بستند و در نهایت شماری کشته و زخمی شدند. عفو بین‌الملل در گزارش خود تاکید کرد که ناقضان حقوق بشر در سایه رژیم ایران نه تنها مجازات نمی‌شوند بلکه مورد تحسین و تشویق قرار می‌گیرند.

سازمان عفو بین‌الملل در این گزارش به "سیل خشونت" و استفاده از گلوله‌های جنگی در سرکوب اعتراضات اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۱ در استان‌های "خوزستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، تهران و اصفهان" اتکا کرده که

سازمان عفو بین‌الملل در تازه‌ترین گزارش خود در باره وضعیت حقوق بشر در ایران اعلام کرد که رژیم ایران بی‌باکانه و علنا اعتراضات مسالمت آمیز مردمی را با گلوله جواب می‌دهد و باید یک ساز و کار مستقل تحقیقاتی و دادخواهی از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در این باره تاسیس

رژیم ایران از چهار مسیر عمده اردن را تهدید می‌کند

ادامه سخن

جدایی ایفای نقش کرده باشند، اما آنچه حائز اهمیت است این است که حزبی زنده و مترقی همچون حزب دموکرات از این تجربیات تلخ درس گرفته و از بهانه‌ها و علل متفاوت انسان‌های مبارز استفاده کند و آن را برای تقویت هرچه بیشتر حزب بکار بگیرد و جایگاه حزب را در میان اقشار مختلف جامعه کوردستان ریشه‌دارتر کند و حزبی با تنوعت بسیار و پر از زیبایی را متجلی کند تا موجب جذب هرچه بیشتر مردم شود.

در حالی که استقبال اتحاد دوباره حزب دموکرات می‌رویم که این اتحاد به بهانه‌ای برای باهم بودنی شود که به همه اعضای آن چه در حال حاضر و چه در آینده بفهماند که علل باهم بودنمان آنقدر زیاد هستند که هیچ بهانه‌ای نمی‌تواند منطق انشقاق را توجیه کند.

ما در حزبی با سیما و رنگ و رویای متفاوت، می‌توانیم این چنین زمینه‌ای را مهیا سازیم که علل متفاوت نه تهدیدی برای جدایی، بلکه از آنها به عنوان فرصتی برای افزایش پتانسیل و انگیزه بیشتر برای جذب آحاد جامعه کوردستان به آدرس حزب دموکرات متحد شویم.

اتحادمان نه به معنای حذف تنوعت و خفه کردن صداهای متفاوت است، بلکه برای کاراتر کردن جریان مبارزاتمان و استحکام اندیشه مشترک و رویای همنوایمان است. دوباره تاریخمان این واقعیت را بازگو می‌کند که هیچ جدایی و انشقاقی در حزب دموکرات نتیجه‌ای نخواهد داشت و یک حزب دموکرات وجود دارد و کوردستان نیز تنها یک حزب دموکرات را پذیراست.



تورویستی، پدیده تروریست‌های تک‌رو و قاچاق مواد مخدر تلاش می‌کند تا ثبات "اردن" را برهم بزند. "اسرائیل هیوم" تاکید کرده که رژیم ایران دو هدف اصلی از بی‌ثبات کردن اردن دارد. یکی از این اهداف هموار کردن مسیر قاچاق اسلحه برای نیروهای تروریستی در کرانه باختری است و دیگری در راستای جاه‌طلبی‌های امپریالیستی این رژیم برای کشورگشایی قرار می‌گیرد.

روزنامه "اسرائیل هیوم" در گزارشی به مسئله امنیت اردن و منطقه پرداخته و در آن به استناد به نظر کارشناسان "اردنی" آمده که کشورشان به چهار مسیر عمده توسط رژیم ایران و سپاه تروریست پاسداران و نیروهای وابسته‌اش ثبات و امنیت "اردن" را تهدید می‌کند. طبق گزارش "اسرائیل هیوم" رژیم ایران و گروه‌های وابسته‌اش از چهار مسیر "نفوذ هسته‌های تروریستی، فعال‌سازی سلول‌های

هواپیمای بوئینگ ونزوئلا در آرژانتین به علت همکاری با سپاه پاسداران توقیف می‌شود



ایران و سهامدار و عضو هیات مدیره شرکت هواپیمایی قشم فارس ایران ایر شناسایی شده‌است. ایالات متحده آمریکا، در سال ۲۰۱۱ شرکت هواپیمایی ماهان را به اتهام کمک به نیروی قدس سپاه تروریست پاسداران رژیم ایران تحریم کرد که در سال ۲۰۱۹ یکبار دیگر این تحریم به دلیل حمل موشک و اقلام هسته‌ای برای این رژیم تحت محدودیت سازمان ملل متحد تکرار شد.

در اختیار سپاه تروریست پاسداران این رژیم می‌باشد که مورد تحریم آمریکا قرار دارد. این هواپیمای متعلق به شرکت هواپیمایی ماهان رژیم ایران که در اجاره ونزوئلا است، حدود دو ماه پیش، به دلیل شرایط نامناسب جوی و مه غلیظ در آرژانتین توقف شده است. در حکم اخیر دادگاه محلی دولت آمریکا ذکر شده است که خلبان ثبت‌شده این هواپیما، به عنوان فرمانده سابق سپاه تروریست رژیم

خبرها حاکی از آن است که وزارت دادگستری ایالات متحده آمریکا درخواست توقیف هواپیمای بوئینگ ۷۴۷ ونزوئلا را به آرژانتین ارسال کرده است. آنچه در حکمی که در یک دادگاه منطقه‌ای در واشنگتن دی‌سی آمریکا صادر شده استفاده شرکت هواپیمایی "ماهان ایر" رژیم ایران از این بوئینگ آمریکایی ماهان ایر، یکی از شرکت هواپیمایی رژیم ایران است که

عراق در وضعیت انقلابی قرار گرفته است



هم اکنون تمامی جریان‌های عراق در حالت آماده باش قرار گرفته‌اند و احتمال بروز جنگ داخلی در این کشور نیز بسیار بالا است.

و توافقات همه جانبه بنیانگذاری شده به همین علت ایجاد تغییر در آن نیز مستلزم رای همه جریان‌ها می‌باشد.

دموکرات کوردستان، علاوه بر ابراز نگرانی در رابطه با وضعیت کنونی عراق اظهار کرده است که ادامه تفکرات شوینستی در عراق منجر به عدم به رسمیت شناختن تمامی جریان‌ها شده است.

"مصطفی الکاظمی" نخست‌وزیر عراق نیز گفته است با وضعیتی حساسی مواجه هستیم و باید مشکلات را با دیالوگ حل کرد و در این دیالوگ‌ها نباید هیچ جریانی را به حاشیه راند.

همچنین "هوشیار زیباری" عضو دفتر سیاسی حزب دموکرات کوردستان اعلام کرده است، سیستم سیاسی عراق با مکانیزمی قانونی

قانون اساسی عراق و شکل‌گیری انقلاب اصلاحاتی در این کشور همکار باشند. نامبرده تمامی نیروهای خود را به بغداد فرا خوانده و همین کار احتمال بروز جنگ داخلی در عراق را بالا برده است.

در پاسخ به اعلامیه "مقتدا صدر"، "چارچوب هماهنگی شیعیان عراق" اعلام کرده است که تحریک و تشویق مردم برای انقلاب توسط "مقتدا صدر" احتمال کودتا را بالا برده است، نامبرده این مهم را غیر قانونی و برای عراق خطرناک توصیف کرده است.

"مسعود بارزانی" رئیس حزب

پس از آزادسازی منطقه سبز و پارلمان عراق توسط معترضان وابسته به "جریان صدر" این کشور در وضعیت انقلابی قرار گرفته و احتمال بروز جنگ داخلی در آن نیز بالا گرفته است.

همزمان "مقتدا صدر" رهبر این جریان روز یکشنبه ۹ مردادماه اعلام کرده است، که هم اکنون فرصتی طلایی برای اصلاحات بنیادی در سیستم سیاسی عراق است.

"صدر" اعتراضات مردم و آزادسازی منطقه سبز را سرآغاز آزادی همه عراق توصیف و از تمامی جریان‌ها درخواست کرده است که در تغییر

ایدئولوژی چیست؟ آیا "کوردایه‌تی" یک ایدئولوژی است؟ / گفتگو با دکتر نازاد محمدیانی



گفتوگو: بهزاد قادری

ایدئولوژی چیست؟ آیا می‌توان ناسیونالیسم کوردی (کوردایه‌تی) را یک ایدئولوژی دانست؟ در گفتگو با دکتر "آزاد محمدیانی" تملیگر سیاسی، به این موضوعات می‌پردازیم:

● ایدئولوژی چیست و چگونه عمل می‌کند؟

به دو معنا به کار برده می‌شود؛ اول به معنای محدود مفهوم ایدئولوژی که فقط شامل آراء و اندیشه‌های افراطی است، یعنی ناسیونال ناسیونالیسم و فاشیسم و آراء و عقاید افراطی چپ یعنی کمونیسم را دربرمی‌گیرد. دوم به معنای وسیع و گسترده مفهوم ایدئولوژی که شامل هر نوع نظریه جهت‌دار یا هر نوع تلاشی برای نزدیک کردن علم و سیاست به سیستمی از عقاید و یا به تعبیری دیگر، شامل دو گونه مکتب سیاسی خواه افراطی، مانند کمونیسم و فاشیسم یا میانه‌رو مانند لیبرالیسم و محافظه‌کاری و انواع دیگر اندیشه‌های سوسیالیستی می‌گردد.

گرچه تعریف‌های گوناگونی از ایدئولوژی ارائه شده است، اما همه این تعریف‌ها دارای یک وجه اشتراک هستند؛ اینکه ایدئولوژی یک نظام اندیشه‌ای متفاوت است که نسبت به پدیده‌ها و موضوعات خاص اجتماعی و سیاسی دارای نظر است، به این معنا ایدئولوژی‌ها در برابر این مفاهیم بی طرف و خنثی نیستند بلکه هم صاحب نظر و ایده هستند و هم تلاش می‌کنند این ایده‌ها را به کرسی بنشانند. لذا وجه تفاوت ایدئولوژی از اینجا با یک نظریه سیاسی و اجتماعی آشکار می‌شود. نظریه در حال توصیف و تحلیل و نهایتاً توصیه است اما ایدئولوژی تلاش می‌کند راه و روش خود را تجویز کند و در این راه نیازمند دسترسی به ساختارهای قدرت اجتماعی و سیاسی است.

● چرا بیشتر ایدئولوژی به عنوان یک امر منفی دیده می‌شود؟

به تعبیر "آندروهی وود" ایدئولوژی یک آیین سیاسی فراگیر است که مدعی انحصار درک حقیقت است. نتیجه ساده‌ای که می‌توان از این تعریف گرفت مطلق‌نگری ایدئولوژی است به طوری که ایدئولوژی‌ها همواره دربرگیرنده یک سری از بایدها و نبایدها هستند که در خلال این ارزش‌های انحصاری خود درصدد به تصویر کشیدن یک آینده مطلوب برای بشریت هستند.

از آنجایی که ایدئولوژی‌ها از یک سو نظام‌های اندیشه‌ای تجویزی هستند و گرایش به مطلق‌نگری اجتماعی، سیاسی و فکری دارند و انحصار درک حقیقت از وجوه اساسی آن است

و از سوی دیگر نموده‌های ناگوار تاریخی از رهبرانی که بر مبنای یک ایدئولوژی خاص از جمله نازیسم و کمونیسم، برای تحقق آرمان‌های خود دست به هر کاری بر علیه بشریت زدند، ایدئولوژی‌ها نمود منفی اجتماعی پیدا کردند. در واقع این شعار اصلی ایدئولوژی‌های متفاوت؛ یعنی "تغییر جهان به سیاق ایدئولوژی ما" توان تولید و بازتولید خشونت را داشته است. نوعی از خشونت که توجیه علمی و نظری بر اساس نظریات ایدئولوژی خاص پیدا می‌کند. لذا حتی در عصر حاضر و بعد از جنگ دوم جهانی، پس از حاکمیت کمونیسم بر بخشی از جهان و حتی بعد از دوران استعماری بر مبنای لیبرالیسم به مثابه یک ایدئولوژی و اخیراً ظهور داعش و اسلام سیاسی سلفی- جهادی، نوع نگاه به ایدئولوژی‌ها همراه با تردید و بدبینی بوده و اعتمادی به انسانی بودن آن‌ها در میدان عمل وجود ندارد. اگرچه نظم نوین جهانی خشونت‌های ایدئولوژیک را برنتابیده است، اما به این معنا نیست ایدئولوژی‌ها که چهارچوب افراطی می‌گیرند پتانسیل خشونت را نداشته و جهان شاهد آن نبوده است، همه این‌ها دلایلی است که باعث شده به دیده تردید به ایدئولوژی‌ها نگاه کنند.

● کسانی ادعا می‌کنند که بیرون از ایدئولوژی ایستاده‌اند؛ شما در این مورد چه نظری دارید؟

در واقع نمی‌دانم دقیقاً منظور شما چه کسانی هستند و یا احیاناً سوال شما چه اشاره تاریخی دارد، اما اینکه کس یا کسانی دارای نگرش سیاسی بوده و نگاهی ویژه نسبت به پدیده‌های سیاسی و اجتماعی دارند، اما خود را در چهارچوب هیچ ایدئولوژی خاص تعریف نمی‌کنند، بستگی به نگاهی دارد که این اشخاص اصولاً به ایدئولوژی دارند، اگر آن‌ها همچنانکه در جواب سوال اول گفتم ایدئولوژی را یک نظام اندیشه‌ای دگم اندیش مطلق‌نگر می‌دانند که همه تلاشش تصاحب قدرت برای تجویز نسخه ویژه خود بوده، پس ایدئولوژی در این نگاه نظامی اندیشه‌ای است که با توجه به پیشینه گفته شده بسیاری کسانی که اعلام برائت بجویند، اما اگر منظور از ایدئولوژی آن نظریه اجتماعی است که در تلاش است علم و سیاست را به هم نزدیک کند و تجویز، بخشی از هویت ساختاری آن را تشکیل نمی‌دهد و صرفاً تفاوتی عقیده‌ای در قالب روش، گفتار و عمل سیاسی است، نمی‌توان به این آسانی گفت که این بخش از مردم یا کسانی که در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی فعال هستند در بیرون گود ایدئولوژی خاصی قرار دارند. ایدئولوژی‌ها به خودی خود نمی‌توانند خشونت ساز، حادثه‌آفرین و فاجعه‌ساز باشند، آنچه یک ایدئولوژی را تبدیل به ابزاری برای نفی دیگری و حذف آن می‌کند، نوع گفتگویی است که پیرامون ایدئولوژی‌ها شکل

می‌گیرد، گفتارها در تعارض با رقبا و در نفی آن‌ها شکل می‌گیرند، هر چه یک گفتار بیشتر بر وجه دیگری سازی خود تأکید نماید و این دیگری‌ها را نه به شکل رقیب بلکه به عنوان دشمن شناسایی کند، ایدئولوژی که مبنای این گفتار بوده گرایش به خشونت بیشتر پیدا می‌کند و در این صورت کسانی که مفاهیم مدارا، تساهل، تسامح و نهایتاً دموکراسی برای آن‌ها دارای اهمیت است سعی در دوری از این نظام‌های ایدئولوژیک داشته یا اعلام برائت می‌کنند.

● آیا می‌توان ناسیونالیسم کوردی (کوردایه‌تی) را یک ایدئولوژی دانست؟

برای پاسخ گفتن به این پرسش ابتدا باید روشن کرد که ناسیونالیسم ایدئولوژی است یا خیر. ناسیونالیسم به عنوان یک دکترین سیاسی، در آغاز سال ۱۸۰۰ میلادی در اروپا تولد یافته و به تدریج وارد ادبیات سیاسی و جامعه‌شناختی گردید. ریشه‌های ناسیونالیسم به‌عنوان یک باور سیاسی، با انقلاب فرانسه (۱۷۸۹) گره می‌خورد که شیرازه اصلی آن از مقاومت مردم ستم دیده علیه حاکمیت ستمگر شکل گرفت و با همین گرایش ابتدا در اروپا و پس از آن در آمریکای لاتین گسترش یافت.

ناسیونالیسم با اصالت دادن به واحدهای ملی و نژادی، یک ایدئولوژی سیاسی و بنیاد فکری، نظری و عملی یک ملت محسوب می‌شود.

با وجود این که نمی‌توان تعریف مشخص و مورد وفاقی برای ناسیونالیسم عنوان کرد، ولی به صورت کلی بر اساس اظهار "وینست" در توصیف ناسیونالیسم می‌توان گفت: گروهی از مردم که معمولاً با عواملی چون: سکونت در سرزمین مشترک، میراث و فرهنگ مشترک، منافع و علائق مشترک در حال حاضر و امیدهای مشترک برای زندگی و حفظ دولت یا یکدیگر متحد هستند به اعتقاد "اسمیت"، همه ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی، اعم از مذهبی، سکولار، محافظه کار، رادیکال،

امپریالیستی، جدایی طلب و غیره، در یک چیز یعنی جستجوی ملت مشترک است. وی ناسیونالیسم را جنبشی ایدئولوژیک می‌داند که درصدد رسیدن و حفظ استقلال، وحدت و هویت یک جمعیت انسانی است که برخی از اعضای آن باور دارند که مساوی با یک ملت بالفعل یا بالقوه است. ناسیونالیسم پدیده مدرنی برای بر ساختن ملت، حتی با رونمایی گذشته در زمان حال است. از این دیدگاه، سرنوشت هر ملتی، بازگشت به گذشته شکوهمند نیست، بلکه بازتولید روح آن، در شرایط مدرن و تحت شرایط در حال تحول است.

از این منظر ناسیونالیسم ایدئولوژی است و مطابق با خصیصه ایدئولوژی‌ها نموده‌های تاریخی وجود دارد که این ایدئولوژی مانند دیگر ایدئولوژی‌ها فجایع انسانی آفریده است. ناسیونالیسم اگرچه به عنوان یک دکترین سیاسی توانست نقطه ثقل شکل گیری دولتهایی باشد که بر مبنای قومیت شکل گرفته و خاصیت دولت-ملت‌سازی داشته و در مقاطعی نیز ایدئولوژی مبارزه با استعمار در جنوب جهان بوده است. از این حیث ناسیونالیسم بیشترین تأثیر را در شکل‌دهی به جهان نو داشته است.

اینکه ناسیونالیسم کوردی یا «کوردایه‌تی» ایدئولوژی است نیز معتقد البته که ایدئولوژی است، چون در علوم انسانی نمی‌شود گزینشی و بخشی به پدیده‌ها نگاه کرد، اگر ناسیونالیسم اروپایی، تورکی، فارسی، آمریکای لاتین و... ایدئولوژی است، ناسیونالیسم کوردی نیز ایدئولوژی است. اما نکته اصلی در ناسیونالیسم و ایدئولوژی‌ها این نیست که چون ایدئولوژی هستند پس بایستی با دیده تردید و به عنوان یک پدیده ضد بشری به آن نگاه کرد، چنانکه در جواب سوال پیشین گفته شد آنچه دارای اهمیت است گفتارهایی است که پیرامون ایدئولوژی‌ها شکل می‌گیرند، در مورد ناسیونالیسم، هم گفتارها و هم نوع ناسیونالیسم (قومی، رادیکال، مذهبی و مدنی و...) شکل‌دهنده ساختارهای متفاوت اجتماعی هستند که در آن جامعه

نسج می‌گیرند. لذا ناسیونالیسم کوردی یا «کوردایه‌تی» اگرچه به عنوان یک ایدئولوژی حضور داشته است اما گفتارهای پیرامون آن خشونت پرهیز بوده و حداقل گرایش را، به سمت اقدامات دیگری ستیزانه داشته است. در واقع دیگری ناسیونالیسم کوردی ملت‌های بالا دست نبوده‌اند بلکه حکومت‌ها بوده‌اند و این باعث شده بر خلاف ناسیونالیسم همسایگان خود در ستیز با ملتها بر نیاید.

● چرا ناسیونالیسم کوردی تاکنون نتوانسته است نظام دولت- ملت کوردی را ایجاد کند؟

مانند همه‌ی مردم غیر اروپایی، بخصوص جهان اسلام، ناسیونالیسم کورد نیز محصول تحولات دامنه‌داری چون رنسانس، رفرماسیون، مرکانتالیسم، ظهور بورژوازی، وستفالی و مدرنیته نبود، اگرچه رسیدن مدرنیته به این دنیای غیر اروپایی و آنچه تحت عنوان مدرنیته‌ی کژدیسه گفته می‌شود توانست زمینه‌های ظهور تعلق قومی، نژادی و سرزمینی را شکل دهد که نهایتاً منجر به ظهور ناسیونالیسم در جهان عرب، ترک، فارس و کورد گردید. از آنجاییکه کوردها هرگز دارای کیان سیاسی مشخص در چهارچوب آنچه به آن دولت- ملت گفته می‌شود نبوده‌اند، اما با ظهور ناسیونالیسم در کشورهایی که تحت حاکمیت عرب، ترک و فارس بوده ناسیونالیسم کورد نیز ظهور پیدا کرده و موجبات جنبش‌های اجتماعی و تضاد و کشمکش‌هایی در آن چهارچوب‌های حاکمیتی غیر یک‌دست را فراهم ساخته است. واضح است که در دوران دو امپراطوری عثمانی و صفویه و حتی بعد از آن تا پایان قاجاریه، کوردها با هویت متمایز خود دارای حکومت‌های محلی زیر سایه‌ی این دو قدرت بودند، اما در این دوران در هیچ کجای این دنیای اسلامی چیزی تحت عنوان ناسیونالیسم، محلی از اعراب نداشت. بنابراین حیات ناسیونالیسم کورد را می‌توان همسن و همراه ناسیونالیسم آن‌ها و یا با تأخیری جزئی دانست. ظهور این ناسیونالیسم در بخش‌های چندگانه‌ی کوردستان دقیقاً

به یک شیوه و همزمان نبوده و در هر کشوری بسته به تحولات اجتماعی و سیاسی و ظهور ناسیونالیسم و نوع نگاه حکومت به طبیعتاً کوردها متفاوت بوده است. طبیعتاً در ایران نیز این شرایط برقرار بوده و تحولات در ایران معاصر، ورود مدرنیته و مدرنیسم، تغییر ساختار حکومتی از حکومت ولایتی و ایالتی به حکومت متمرکز، ظهور ناسیونالیسم مرکز و نوع نگاه این ناسیونالیسم به تنوعات زبانی، فرهنگی، مذهبی و قومی و تحولات نظام بین‌الملل و جنگ‌های جهانی اول و دوم این شرایطی بوده‌اند که به کمک ظهور ناسیونالیسم کورد آمده‌اند.

در واقع ناسیونالیسم کوردی بخصوص در بخش ایرانی آن، ناسیونالیسم با محوریت حقوق و هویت بوده است، به این معنا ناسیونالیسم کوردی نه تنها سودای تشکیل حکومت کوردی را در سرآغاز ورود به دوران معاصر نداشته است بلکه حول محور یک‌سری حقوق و هویتی که از صدقه سری دولت رضاشاهی به خطر افتاده بود، نشونما کرده است و از آن مهمتر ناسیونالیسمی تدافعی بوده است. اگر بررسی اجمالی گفتارهای سیاسی کوردی به رهبری حزب دموکرات به عنوان طلایه‌دار ناسیونالیسم کوردی داشته باشیم، پی خواهیم برد تولد گفتگویی و تغییرات گفتگویی این حزب چون نماد ناسیونالیسم کوردی در واکنش به گفتار مرکز شکل گرفته است. در واقع هر جایی مرکز غصبیتر برخورد کرده این گفتار رادیکالتر بوده و هرگاه مرکز تمایل به نوع دیگری از ناسیونالیسم به عنوان مثال ناسیونالیسم لیبرالی مصدق و مدنی خاتمی، این حزب مشارکت گرایانه‌تر عمل کرده و گفتگویی آرامتر داشته است. لذا ناسیونالیسم کوردی ناسیونالیسم واکنشی و حقوق محور بوده است، برعکس ناسیونالیسم اروپایی که دولت-ملت ساز بوده و نتیجه بخش نیز بوده است. البته اینکه چرا ناسیونالیسم کوردی به این راه رفته شاید به دلیل رنال پالتیک بوده و نیاز به بررسی و تحقیق بیشتر دارد که در این مصاحبه نمی‌گنجد.

از کوردیت دو ساحتی تا کوردیت تک ساحتی



شاهو حسینی

آنها دارد.

فرد دو قطبی:

دو قطبی بودن نماد وجودی متوهم است و به دورانی از زندگی انسان اطلاق می‌شود که ذهن انسان مبتنی بر توهم کلمه بود. رد پای این پارادایم را می‌توان در سراسر زندگی بشر مشاهده کرد، جایی که آگاهی و اندیشه هنوز به وجود نیامده و رشد نکرده است و برجسته‌ترین نماد آن خدایان و ادیان هستند. متفکران بر این باورند که بین آگاهی و زبان تفاوت وجود دارد، در واقع انسان دو قطبی مدام در تلاش بوده سمبول‌هایی مانند خدا، پیامبر و پادشاه ایجاد کند، به طوری که هم خود را در توهم نیروی نجات دهند، یک مرجع راهنما و یک دانشمند راهنما دیده و هم ممکن است در دیگران این ویژگی‌ها را برای پوشاندن ترس نگرانی‌ها و کمبودهای خود پیدا کرده باشد. بارزترین تصویر ذهن انسان دو قطبی، ایدئولوژی است. ایدئولوژیست‌ها بدون اینکه بر اساس شباهت واقعی با دنیای بیرون ظهور کرده باشند، محصول حقیقتی توهمی از درک و توصیف محیط اجتماعی و سیاسی هستند، حقیقتی که خروجی ذهن ایدئولوگ‌هاست.

در عصر حاضر هنوز نشانه‌هایی از دوره‌های دو قطبی در جوامع سنتی از جمله جامعه کوردی وجود دارد که از مهم‌ترین میراث‌های ذهنیت دو قطبی می

توان به "فرهنگ‌های دینی" و "اوراکل‌ها" اشاره کرد، بارزترین پدیده "فرهنگ دینی" حفظ رابطه روح انسان با موجودات بزرگ است و مهمترین پدیده "اوراکل" موجوداتی هستند که بدون هیچ آگاهی شناختی در حال پیشگویی هستند، به طوری که هر کسی، با هر میزانی از بی سوادی و فقدان آگاهی فکری، حول این توهم می‌چرخد که قدرت ترسیم نقشه راه و توانایی یافتن راحل را دارد که جهان، ملت و جامعه خود را از بحران خارج کند. امروزه در روانشناسی این پدیده را "اسکیزوفرنی" می‌دانند. فردی که از این بحران رنج می‌برد در ذهن و توهم ذهنی خود صداهایی را می‌شنود که او را به عنوان یک دانشمند تعریف می‌کند و توهم عظمت را به او می‌دهد. نمونه‌های زیادی از این افراد دوسویه در خیابان سیاسی کردها وجود دارد. افرادی که توهم دکتری، تدریس، تخصص، روزنامه نگاری، ایدئولوژی و... را دارند. آنها معتقدند که منبع حقیقت را یافته‌اند و سعی می‌کنند یا دیگری را شبیه خودشان کنند یا ساکت کنند یا محوشان کنند. این شکل از کوردایتی با وضعیت و مصالح واقعی جامعه و جهان پیرامون آن بیگانه است. نتوانسته است رابطه واقعی و مناسبی با جامعه و جهان پیرامون خود برقرار کند. به طور خلاصه، انسان دو قطبی از طرفی نماد کسانی است

که واقعیتی توهمی را احساس می‌کنند و معتقدند که به عنوان ایدئولوگ، راهنما، وظیفه و مسئولیت تاریخی دارند، بدون اینکه درک علمی و فکری داشته باشند. از سوی دیگر، نماد افرادی هستند که کورکورانه تسلیم واقعیتی توهمی می‌شوند و در غیاب هرگونه آگاهی فکری، احساسات ذهنی خود را توجیه می‌کنند.

انسان تک قطبی:

انسان تک قطبی برعکس انسان دو قطبی به عملکرد صحیح "بافت همبند" و نظم بخشی به رابطه بین قطب‌های راست و چپ مغز انسان اشاره دارد. در واقع، هنگامی که ارتباط مداوم و بی اندازه بین قطب‌های راست و چپ مغز انسان یک پل از آن نامبرده می‌برند کنترل شود، فرد این توانایی را به دست می‌آورد که حقیقت واقعی در دنیای بیرون را همان گونه که هست ببیند، بشناسد و درک کند نه آنگونه که با میل او مغایرتی نداشته باشد. به این معنا که رابطه‌ای واقع بینانه با دنیای بیرون دارد، رابطه‌ای مبتنی بر آگاهی، هوشیاری و درک منطقی که محصول ادراک واقعیت محیط خود است. آگاهی را می‌توان در ساده‌ترین شکل خود به‌عنوان شکلی از تجربه حالات و پدیده‌ها در ذهن انسان تعریف کرد که محصول

رابطه واقع‌بینانه با دنیای خارج از ذهن انسان است، به عبارت دیگر، آگاهی به معنای تجربه واقعیت دنیای بیرون از ذهن انسان است، شباهت بین آگاهی و توهم این است که هر دو تجربه پدیده‌ها و حالات درونی ذهن انسان هستند، اما با این تفاوت که توهم پدیده غالبی است که نمونه‌ای خارج از عالم بشریت ندارد، بلکه حقایقی است که فقط در ذهن انسان تولید می‌شود، اما آگاهی پدیده غالب در ذهن انسان است که نمونه‌های واقعی خارج از ذهن انسان دارد. در ذهن تک قطبی، اگر آگاهی به عنوان قسمت چپ مغز و احساسات به عنوان قسمت راست مغز در نظر گرفته شود، علم و اندیشه را می‌توان به عنوان "موضوعات به هم پیوسته" تعریف کرد که می‌تواند نوع و شکل رابطه بین آگاهی و احساس را کنترل کند و باید درک واقع بینانه‌ای در انسان ایجاد کند. یعنی اگر در ذهن دو قطبی علم، شعور فکری، تفکر منطقی به عنوان پل بین آگاهی و احساس وجود نداشته باشد، آنگاه رابطه نامنظم و هژمونی احساس بر آگاهی نوعی درک را ایجاد می‌کند که ماتریال آن در دنیای خارج وجود واقعی ندارند، بلکه به عنوان حقیقت فقط در ذهن انسان تحمیل می‌شوند. برعکس، در ذهن تک قطبی، علم، آگاهی فکری و تفکر منطقی نه تنها از هژمونی درک

وهمی جلوگیری می‌کند بلکه با کنترل نوع رابطه بین آگاهی و عاطفه، درک خودآگاه تولید می‌کند.

نتیجه:

بدون شک در اندیشه کوردی که هم اکنون در جامعه کوردستان وجود دارد، احساسات دو قطبی به ویژه در کوردهای دیاسپورا عیان است، زیرا بین واقعیت‌هایی قرار دارند که ماتریال اصلی تولید پدیده‌های ذهنی، تجربه و درک به معنای جریان آگاهی هستند و با واقعیت‌های حقیقی که درک و آگاهی را به عنوان ماتریال و ساختار دنیای بیرون تولید می‌کنند، اشتراک چندانی ندارند، یعنی به دلیل غیاب علم، اندیشه منطقی و احساسی با مضمون علم بر آگاهی مسلط است و درک و فهمی در غیاب علم و آگاهی عقلانی به عنوان تنظیم‌کننده احساس و آگاهی، او را با شور و شوق و توهم حقیقت آلوده کرده است. اگر کوردها نتوانند با پشتوانه علم و آگاهی فکری ماتریال دنیای بیرون و محیط اطراف خود را آنگونه که در ذهنشان وجود دارد درک کنند، اگر آنها را درک کند و تجربه کند و هوشیار شود، این توهم کوردها را از دنیای واقعی جدا می‌کند و نمی‌توانند به اهداف خود برسند.

آزادی از نظر من



ونوس فایق

هر انسانی باید سه چیز داشته باشد: فوداگاهی، وجدان، اراده مستقل و فکر فلاق. اینها به ما آزادی می‌دهند که شایسته آن هستیم، قدرت انتقاد، واکنش و تغییر "استیون کاوی".

۱. آزادی من در محدوده دیگران به پایان می‌رسد:

آزادی به این معنا نیست که بتوانم هر کاری را که دوست دارم، باور دارم یا فکر می‌کنم درست است انجام دهم، هر چه را دوست نداشتم یا باور نداشتم یا درست نمی‌دانستم به هر طریقی می‌توانستم ردش کنم. اولاً آزادی اخلاقی است، آزادی فکر است، این آگاهی، فرهنگ، رفتار، پذیرش دیگران با رنگ، افکار، باورها و جهان بینی آنهاست. همانطور که "پذیرش متقابل" یک مفهوم بسیار گسترده و چند بعدی است، به همین ترتیب «آزادی» مفهومی بسیار گسترده، چند بعدی و در عین حال پیچیده است، به همین دلیل است که همواره گفته شده است: «آزادی ما در محدوده دیگران به پایان می‌رسد». این آزادی نیز مانند همه مفاهیم دیگر باید تابع قانون باشد. اگر از درون آزاد نباشیم، نمی‌توانیم دیگران را

آنتور که هستند بپذیریم. **نمونه:** بعضی‌ها رفتار دیگران را در درون دوست دارند اما بیان نمی‌کنند وقتی حرف می‌زنند بر خلاف دل خودشان حرف می‌زنند اگر از آنها بپرسید چرا اینطور هستند؟ او به شما می‌گوید: «بالاخره، این چیزی است که جامعه ما می‌خواهد، یا می‌گوید: بالاخره این را به ما می‌آموزند». چنین فردی در درون آزاد نیست، همیشه چیزی در بیرون وجود دارد که باعث اضطراب و ترس می‌شود. این گونه انسان‌ها دو چهره دارند (دو چهره در معنا و تعبیر روانی آنها). یک چهره درونی که دائماً در تضاد با چهره‌های است که به بیرون نشان می‌دهند که بیرون را قانع می‌کنند. پذیرش اینها خیلی سخت است، زیرا آنها برده مجموعه‌ای از آداب و رسوم هستند که نمی‌توانند خود را از شر آن خلاص کنند. این در برخوردهای سخت آنها با نزدیکترین افراد اطرافشان منعکس می‌شود، آنها یک نفر بیرون هستند، یک نفر دیگر در خانه خود، و شخص سومی در درون آنها وجود دارد که در مبارزه دشوار است.

۲. آزادی به معنای پذیرفتن دیگران است:

اگر به کسی مسادت می‌کنید، نشانه آن است که هنوز به سطح پذیرش واقعی فود و احترام به فود نرسیده‌اید. "رشید اوگونالار" انگلیسی تبار، مربی زندگی و (هبری).

برای پذیرش دیگران و احترام به نظرات و مواضع آنها: من باید قبل از هر چیز خودم را بپذیرم، به خودم،

نظرات و مواضع احترام بگذارم، برای آنها تلاش کنم و حتی برای آنها بجنگم. این که پذیرش خود، احترام به خود و جنگیدن مستلزم این است که از درون آزاد باشم. چگونه آزادی را درک کنم؟ و چگونه به آزادی برسم؟ پس چگونه می‌توانم آن را به یک فرهنگ برای زندگی خود تبدیل کنم، مشروط بر اینکه منبع درد اطرافیانم نباشم و آزادی من تبدیل به نوعی بی احترامی به دیگران نشود. وقتی ما خواستار آزادی هستیم، باید شجاعت مسئولیت پذیری اعمال خود را داشته باشیم تا کسی نتواند آزادی ما را از ما سلب کند.

مثال: من یک زن باید عمیقاً از درون آزاد بوده باشم تا بتوانم در هر اقدامی که با اعتقاد انجام می‌دهم از خودم دفاع کنم، من شهامت این را دارم که مسئولیت اعمال، نظرات و جهان بینی خود را بپذیرم و برای آنها بجنگم و باید تصمیم گرفته باشم که برنده شوم، من به عنوان یک زن، همیشه باید به یاد داشته باشم که هر چه می‌گویم یا انجام می‌دهم، باید مسئولانه آن را انجام دهم و بگویم، آن وقت می‌توانم مسئولیت عواقب اعمالم را بپذیرم، نه اینکه منتظر باشم که هر بار که زمین می‌خورم یا می‌نشینم، مردی مرا نگه دارد، چون وقتی به مردی اجازه می‌دهم کمک کند بلند شوم، بخشی از آزادی خود را از دست می‌دهم.

۳. اگر در درون کاملاً آزاد نباشید، به تفاوت‌ها اعتقاد نخواهید داشت:

آنها ما را از هم جدا می‌کند، تفاوت‌هایمان نیست، بلکه عدم باور، پذیرش و استقبال ما از تفاوت‌هایمان است "آدری لرد".

همانطور که هیچ اثر انگشت انسانی روی زمین شبیه اثر انگشت دیگری نیست، هیچ دو نفری در دنیا در همه چیز شبیه هم نیستند. اگر همه ما در برخی مسائل اتفاق نظر داشته باشیم، مسائلی پیش خواهد آمد که در آن اختلاف نظر خواهیم داشت، اینجاست که فلسفه «آزادی» قوی‌تر می‌شود. مهم این نیست که من و شما چقدر موافقیم، بلکه این است که چقدر به همدیگر به خاطر تفاوت‌هایمان

احترام می‌گذاریم، چقدر آزاده حریم را می‌زنم، چقدر حاضریم تو را با نظرات متفاوت بپذیریم و چقدر به تو اجازه داده‌ام که یک صدا و رنگ و حضور در مقابلم داشته باشی. این جهان با نظریه سیاه و سفید اداره نمی‌شود، اما این زندگی سیاه و سفید نیست، در این میان، رنگ‌های بسیار دیگری وجود دارد که چشم ما باید آنها را ببیند، ذهن ما باید آنها را بپذیرد و ما باید مایل به احترام باشیم. دروغ بزرگی است اگر بگوییم «کسانی که با هم پرواز می‌کنند، چه به عنوان دوست، چه زن و شوهر یا هر شکل دیگری از رابطه، کسانی هستند که بسیاری از چیزهای مشترک دارند. من همیشه معتقد بودم که اگر همه چیز مشترک باشد، خیلی کسل کننده خواهد بود، خیلی سریع همدیگر را به ارث می‌بریم، و چیزی که ما را طولانی‌ترین مدت کنار هم نگه می‌دارد، اختلافاتمان است. گاهی اوقات که شما در مورد یک چیز موافق هستید، طرز فکر ما را از هم جدا می‌کند، بنابراین من مجبور نیستم مثل شما فکر کنم تا به یک نتیجه برسم، من ممکن است طرز فکر خود را داشته باشم که شما باید به آن احترام بگذارید. **مثال:** شما ماست را "سفید" می‌بینید، من آن را سفید می‌بینم، در حالی که بحث اینجا رنگ "سفید" ماست نیست، بلکه طرز فکر و وسیله بیان و اعتقاد من و شما به "سفیدی" ماست است. در مورد مسائل فکری، سیاسی و مذهبی هم همین طور است، شما می‌گویید من از فلان حزب حمایت می‌کنم و دوست شما از همان حزبی که شما طرفداری می‌کنید، اما این بدان معنا نیست که شما و او حزب را یکسان می‌دانید یا به ایدئولوژی حزب یکسان نگاه می‌کنید، حتی لازم نیست در مورد چگونگی توسعه حزب و قرار دادن آن در خدمت مردم متفاوت فکر کنید، زیرا وقتی همه اعضای یک حزب یکسان فکر می‌کنند، نه تفاوتی وجود خواهد داشت، نه جایی برای اختلاف نظرها، نه جایی برای صداهای مختلف، نه جایی برای رنگ‌ها و عبارات مختلف، بنابراین "آزادی" در همه زمینه‌ها در معرض تهدید

۴. وقتی در درون آزاد نیستید، اعتماد به نفس شما فقط قهوه است:

هر چه در درون آزادتر باشید، بیشتر خودتان را می‌پذیرید و دیگران را همان طور که هستند بیشتر می‌پذیرید. منظورم این است که دست زدن به زشتی دیگران همیشه «آزادی» و «شجاعت» نیست، زیرا آن وقت «کمیت» خود را در «نبود» دیگران می‌یابیم، ما "حقیقت" خود را در "آشتی‌ها" دیگران می‌بینیم، "زیبایی" خود را با "زشتی" دیگران می‌سنجیم و "پاکیت" خود را با "کثیفی" دیگران تعریف می‌کنیم. این اوج «عدم اعتماد به نفس» است، «آزادی» دست زدن به تفاوت‌ها و تأکید بر آنها نیست، بلکه دست زدن به «آشتی‌ها» است. «آزادی» متفاوت اندیشیدن نیست، بلکه «شیوه اندیشیدن» است. من آزادم که چگونه فکر می‌کنم، اما آزاد نیستم که دیگران را به خاطر افکارشان رد کنم. من آزادم هر چیزی را که باور دارم نگه دارم، اما آزاد نیستم دیگران را به خاطر عقایدشان مجازات کنم. من آزادم که دیگران را به روشی منطقی و اخلاقی مورد انتقاد قرار دهم، اما نمی‌توانم احساسات کسی را جریحه دار کنم، توهین کنم. بنابراین کسانی که زیاد انتقاد می‌کنند کمتر حاضر به پذیرش انتقاد دیگران هستند. آنها به خود آزادی مطلق داده‌اند، اما همیشه به آنچه مربوط به دیگران است مشکوک هستند و آن را آزادی تعریف نمی‌کنند. بنابراین، چیزی به نام «آزادی مطلق» وجود ندارد. کسانی که خواستار

«آزادی مطلق» هستند، با مفهوم «آزادی» و چگونگی «آزادی» مشکل روانی جدی دارند.

مثال: در جامعه ما، دوستی یک مرد با چند زن طبیعی است، صحبت کردن با آنها هر روز طبیعی است، برای او بسیار عادی است که ظهر با دوست دخترش ناهار بخورد، یا عصر با آنها قدم بزنید، عادی است که هر روز چندین نامه با آنها رد و بدل کنید، طبیعی است که برای آنها هدیه بخرید، همه اینها برای من عادی است، تا زمانی که از مرزهای ادب و اخلاق عبور نکنند، با همه معیارها به عنوان "دوستی" تعریف می‌شود. اما چیزی که غیرعادی و عصبانی است این است که یک مرد دوستی همسرش با چند مرد را بسیار سخت می‌بیند، یک روز بعدازظهر به شوهرش می‌گوید: من با فلانی و فلانی بدون اینکه کاری داشته باشم، فقط به عنوان دوست، ناهار می‌خورم، یا دیدن همسرش که با یک یا دو مرد در خیابان راه می‌رود، بسیار سخت است. البته این ربطی به شرق و غرب ندارد به فطرت انسان ربط دارد، در غرب، این طور نیست که بسیاری از مردان و زنان شرق در مورد آن فکر و صحبت می‌کنند. در غرب همه چیز بر اساس عرف و قانون یا روابط انسانی اداره می‌شود. بالاخره چیزی به نام «آزادی مطلق» در هیچ کجای دنیا وجود ندارد.

۵. آزادی از کجا شروع می‌شود:

ما نه تاریخ «آزاد» داریم و نه هنوز اندیشه جمعی آزاد داریم، زیرا آگاهی جمعی برای درک مفهوم آزادی در جامعه ما وجود ندارد. آنچه وجود دارد تلاش های فردی برای درک مفهوم آزادی است. ما که فکر می‌کنیم آزاد هستیم هنوز در اولین قدم برای درک آزادی هستیم، وقتی چندین کتاب در مورد آزادی می‌خوانیم فکر می‌کنیم آزاد هستیم، ما نمی‌دانیم که «آزادی» فکر و رفتار است، اما قبل از هر چیز «آزادی» اخلاق است. هنوز جوامع پیشرفته غربی که در زمینه «حقوق و آزادی» بسیار جلوتر از خود می‌بینیم، با حساسیت زیادی درباره مفهوم «آزادی» صحبت می‌کنند و

هنوز به «آزادی مطلق» که برخی از افراد در ما معتقدند، باور ندارند. جامعه تفسیر می‌کنند آنها می‌خواهند آن را الگویی برای زندگی کنند. در غرب، جایی که بهترین جزئیات زندگی انسان توسط قانون تنظیم می‌شود، برای جلوگیری از انواع تخلفات، افراط و تفریط، آزار و اذیت، سوء استفاده و آسیب و همچنین جلوگیری از سرقت، قطع دست و جنایاتی مانند قتل و تجاوز جنسی. با وجود همه صراحت، درک و جهان بینی گسترده، برخی در این جوامع معتقدند که تا زمانی که قانون حاکم باشد، آزادی ها محدود می‌شود.

به عنوان مثال: طبق قانون، «بیخداها» و «همجنس‌گرایان» حق دارند در زندگی اجتماعی و سیاسی کشورشان شرکت کنند، نامزد مجلس شوند و دست راست و نماینده امثال خودشان شوند یا جانشان را تهدید کنند. همانطور که احزاب سکولار در همه جهات، از چپ به راست، می‌توانند نماینده مردم در پارلمان و دولت باشند، احزاب مذهبی نیز حق دارند که در پارلمان و دولت شرکت کنند و نماینده رای دهندگان خود باشند. همه در مجلس کنار هم می‌نشینند و درباره لوایح و زندگی مردم بحث می‌کنند. به این می‌گویند احترام به دیگران، پذیرفتن دیگران با تفاوت‌هایشان. در نهایت، من معتقدم که برای درک صادقانه همه مفاهیم، از جمله مفهوم "آزادی" باید با خود صادق بود. انسان باید با خود آشتی داشته باشد تا بتواند با دیگران آشتی کند و در برابر اختلافات آنها بگشاید و بپذیرد. آزادی باید در درون ما ریشه دواند، کسانی که از درون آزاد نیستند نمی‌توانند برای آزادی اساسی خود بجنگند و نمی‌توانند با همه ظلم و بی عدالتی که متحمل می‌شوند مقابله کنند. آزادی زمانی آغاز می‌شود که ما محدودیت های خود را بشناسیم، پس باید "اراده" دفاع از عقاید خود را داشته باشیم، بتوانیم برای آنها مبارزه کنیم، بتوانیم حقوقی را که برای خود می‌خواهیم به دیگران بدهیم. در نهایت، آزادی در جامعه ما مستلزم ایمان کامل، درک نامحدود و توانایی تحمل برای ایستادن روی پای خود است.

پیامدهای ژئوپلیتیکی و اکولوژیکی خشک کردن دریاچه ارومیه

نیشتمان ارومیه

پس از جنگ دوم جهانی این موضوع که انسانها به صورت جمعی در حال تغییر دادن چهره سیاره زمین و در خطر قرار دادن نظامهای زیستی هستند به یکی از نگرانیهای مهم جهانی تبدیل شد و به عنوان موضوعی در حوزه امنیت جهانی در قالب دانش ژئوپلیتیک قرار گرفته است.

از این روی در دهه‌های گذشته مقولاتی مانند افزایش جمعیت، دخالت مستقیم بشر در طبیعت برای تامین و دستیابی به نیازهای ضروری و غیر ضروری، جستجوی سود بیشتر در قالب حرکت توسعه پیامدهای ناگواری همانند خالی کردن آبهای زیرزمینی، جنگل‌زدایی، بیابانزایی، فرونشست زمین، خشکسالی، تسریع گرم شدن کره زمین آلودگی ناشی از سوختهای فسیلی (هوا، آب، ذوب شدن یخهای قطبی و نازک شدن لایه اوزون)، فرسایش خاک، کوچهای اجباری ناشی از تغییرات اقلیمی و... در سطوح ملی منطقه‌ای، فراملی و کروی برجای گذاشته و آینده نامعلوم و تاریکی در مسیر محیط زیست

قرار داده، به عبارتی بحران راهبردی بر محیط زیست حاکم شده است. و تداوم چگونه زیستن در بطن پارامترهای مشخص شده در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. در دهه‌های اخیر بهره‌برداری نامناسب از طبیعت همانند سایر نواحی کشور متوجه شمال غرب نیز بوده و به پیدایش چالشهای گسترده‌ی زیست محیطی در این بخش مهم از کشور نیز دامن زده است؛ اما خشک شدن یا خشک کردن دریاچه‌ی ارومیه در رأس

این فجایع قرار دارد و با توجه به معیارهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی نقش مهمی در شمال غرب ایران ایفا می‌کند، یعنی با خشک شدن دریاچه یک کویر نمک به وسعت ۲۴۰۰ کیلومتر مربع تشکیل می‌شود و متغیرهای مختلفی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، زیستی و ژئوپلیتیکی را در برمی‌گیرد. در وهله اول، اولین پیامد اکولوژیکی که ماحصل دخالت و مدیریت نادرست انسان است به اولین تغییر ژئوپلیتیکی

می‌انجامد، کوچ اجباری ساکنین این حوزه می‌تواند شروع این تغییر ژئوپلیتیکی را رقم بزند، در واقع به مخاطره افتادن سلامت ساکنین راه را بر این مرحله می‌گشاید و تراکم جمعیت که عامل مهمی در تفوق و برتری جایگاه ژئوپلیتیکی این حوزه به شمار می‌رود به تدریج دچار آشفته‌گی گردیده، به عبارتی بحران تلخ از بین رفتن دریاچه‌ی ارومیه حامل در راه بودن بحرانهای هیدروپلیتیکی گسترده‌ای خواهد بود. در حقیقت شروع تغییرات ژئوپلیتیکی زمانی از سر گرفته

شد که به بهانه ساختن سدهای غیر علمی و نادرست روستاهای مسیرهای نام‌برده زیر آب رفتند و این حوزه خالی از سکنه گردید، به عبارتی ماحصل این دخالت نادرست کوچاندن جمعیت، خشک کردن دریاچه و البته بحران اکولوژیکی که امروز وجود دارد بود. اما مهمترین مسئله در حوزه ژئوپلیتیکی حاصل از خشک شدن دریاچه ارومیه مقولاتی از قبیل درگیری‌های قومی و ناسیونالیزه کردن مسیر مطالبه

گری، پراکنش جمعیت و عدم رضایتمندی آنها در سکونت جدید، کاهش ورود گردشگر به بهانه از دست رفتن گنجینه‌ای به نام دریاچه ارومیه، از بین رفتن احساس امنیت از آنجایی که زیستگاه و به دنبال آن سلامت ساکنین در معرض خطرات مستقیم قرار دارد، تهدید برای شهرهای مرزی کشور همجوار با توجه به اقلیم مشترک. اگرچه تمامی این مقولات به درگیری مستقیم نیانجامد اما باعث به وجود آمدن تنش‌های گسترده‌ای خواهد شد. لذا جایگاه مهم ملی و منطقه‌ای شهر لرزان می‌شود و اهمیت سابقش را از دست خواهد داد، زیرا تاثیر تخریب اکولوژیکی به قدری زیاد است که به نزول جایگاه ژئوپلیتیکی دامن می‌زند، به عبارتی مثلث جمعیت، اکولوژی و ژئوپلیتیک رابطه تنگاتنگی دارند، تخریب اکولوژیکی تحرک جمعیت به سمت فقر و حاشیه‌نشینی و مهاجرت سوق می‌دهد و جمعیت بر تضعیف جایگاه ژئوپلیتیکی شهر به لحاظ گردشگری، منطقه‌ای، ملی و... بسیار حیاتی است و حاکمیت آن را برای ایفای نقش‌های مختلف به خطر می‌اندازد.

۹۵ درصد دریاچه ارومیه خشک شد

امیرعباس جعفری مدیرکل مدیریت بحران آذربایجان غربی اعلام کرد، ۹۵ درصد از دریاچه ارومیه خشک شده؛ رویدادی که در بیش از ۲ دهه گذشته بی‌سابقه بوده است.

امیرعباس جعفری مدیرکل مدیریت بحران استان آذربایجان غربی از خشک شدن ۹۵ درصد آب دریاچه ارومیه خبر داد و گفته است که این در بیش از دو دهه گذشته بی‌سابقه بوده و هر سال بطور متوسط ۴۰ سانتی‌متر از ارتفاع این دریاچه کم شده است.

جعفری خشکسالی و تخریب آب و توسعه بی رویه کشاورزی و استفاده نادرست از آب دریاچه برای کشت محصولات زراعی را که آب زیادی نیاز دارند از مهمترین عوامل خشک شدن دریاچه ارومیه برشمرد و اظهار امیدواری کرد که فرهنگ‌سازی صحیح و استفاده از درست از منابع آبی منطقه بتواند به احیای دوباره این دریاچه بیانجامد.

مدیرکل مدیریت بحران استان آذربایجان غربی در حالی از اراده به انتقال آب سدها و تصفیه پساب برای احیای دریاچه ارومیه به عنوان راهکارهای تازه یاد می‌کند که ستاد احیای این دریاچه در واکنش به طرح تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی در مورد عملکرد هفت‌ساله‌ی این ستاد بیانیه صادر کرده است. مجلس شورای اسلامی در جریان

نشست علنی روز سه‌شنبه ۲۱ تیرماه با تقاضای کمیسیون کشاورزی و آب و منابع طبیعی مبنی بر تحقیق و تفحص از عملکرد ستاد احیای دریاچه ارومیه موافقت کرد. از مجموع ۲۲۳ نماینده، ۱۸۲ نفر به این تقاضای تفحص رأی موافق، ۱۲ نفر رأی ممتنع و ۱۵ نفر از نمایندگان به درخواست کمیسیون کشاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط زیست مجلس رأی منفی دادند.

این طرح تحقیق و تفحص در ۱۸ محور، هزینه‌کرد بودجه‌های احیای دریاچه ارومیه را در دستور کار دارد و همچنین قصد دارد تا با بررسی آخرین وضعیت آن، به این پاسخ برسد که با وجود تخصیص اعتبار و هزینه‌کرد این اعتبارات چه میزان از مشکلات این دریاچه رفع شده است. ستاد احیای دریاچه ارومیه در بیانیه‌ای از طرح «مجلس‌انقلابی» استقبال کرده و در بیانیه‌ای توضیح داده که در آغاز روی کار

آمدن دولت یازدهم، کارگروهی به نام «کارگروه ملی نجات دریاچه ارومیه» یا «ستاد احیای دریاچه ارومیه» با عضویت مقامات ارشد مدیریت کشور شامل ۷ وزیر، ۲ معاون رئیس‌جمهور و ۳ استاندار حوضه آبریز، با راهبری معاون اول رئیس‌جمهور تشکیل شده است. ستاد احیای دریاچه ارومیه تصویب طرح تفحص را «فرصتی برای انعکاس صورتی قانونی از تجربه‌های به دست آمده در قانون برنامه پنج‌ساله هفتم» خوانده و

تاکید کرده است که «دیکنه ننوشته، غلط ندارد». این بیانیه می‌افزاید «به سرانجام رسیدن برنامه‌های احیای دریاچه ارومیه، ضرورتی است که امروز ابعاد گوناگونی به خود گرفته و اصلی‌ترین لازمه آن، اراده سیاسی قاطع است.» به نظر می‌رسد گشودن پرونده هفت‌ساله‌ی دریاچه ارومیه، اهداف سیاسی و فرامحیط زیستی را دنبال می‌کند. عدم مدیریت آب در استان آذربایجان غربی با وجود

بارندگی‌های منطقه طبق اعلام فرماندار تکاب، خسارات جدی به بخش کشاورزی و آبرسانی به روستاییان در پی داشته است. اسماعیل حیدری‌آزاد فرماندار تکاب با تاکید بر اینکه برای پیشگیری از وقوع حوادث، لایروبی رودخانه‌ها و مسیل‌های شهرستان تکاب ضروریست، افزود: «تکاب در یک منطقه کوهستانی در آخرین نقطه جنوب آذربایجان غربی واقع شده که بیشترین بارش‌ها را دارد اما از این بارش‌ها و منابع آبی به دلیل طبیعت و اقلیم خاص منطقه استفاده نمی‌شود و آب‌های سطحی شهرستان به سایر شهرهای جنوب استان سرازیر می‌شود.» وی ادامه داد: «در حالی که تعدادی از روستاهای تکاب با تنش شدید آبی مواجه هستند و باید با تانکر آبرسانی شود، این شهرستان در تأمین تانکر نیز مشکل دارد و از وزارت نیرو انتظار داریم برای تهیه و تأمین تانکرهای آب رسان به روستاهای تکاب نگاه ویژه و اهتمام جدی داشته باشد.» به گفته‌ی فرمانده این منطقه، نبود موتور دیزل در مجتمع‌های آبرسانی از دیگر مشکلات تأمین آب پایدار در روستاهای این شهرستان است بطوری که با قطع برق، آب روستاها نیز قطع می‌شود اما با تهیه این موتورها هنگام قطع برق، در تأمین آب روستاها مشکلی به وجود نمی‌آید.



نمایی از نقص حقوق بشر در کوردستان با استناد بر آژانس خبرسانی کوردستان (کردپا)

اشنویه؛ احضار یک جوان و سه نوجوان به اطلاعات سپاه



امروز پنجشنبه ششم مردادماه، یک جوان به نام "حسین حسنزاده" ۱۸ ساله فرزند رحمان و سه نوجوان به نامهای "سامان حسنزاده" ۱۷ ساله فرزند مصطفی، "زانیار حسنزاده" ۱۶ ساله فرزند اسماعیل و "پیشوا شاداب" ۱۶ ساله فرزند جعفر اهل روستای "باب خالداآباد" به اداره اطلاعات سپاه اشنویه احضار شدند.

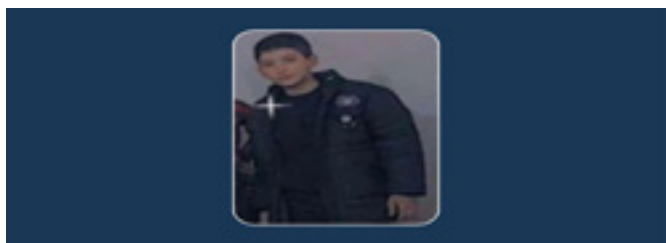
به گفته یک منبع مطلع، پیشوا شاداب روز چهارشنبه پنجم مردادماه نیز به اطلاعات سپاه احضار و به مدت ۸ ساعت مورد بازجویی قرار گرفته بود.

این منبع مطلع افزود: این افراد پس از احضار به اطلاعات سپاه بازداشت و از سرنوشت آنان اطلاع دقیقی در دسترس نیست. تا لحظه انتشار این خبر، از دلیل احضار و اتهامات مطروحه علیه این افراد اطلاعی در دسترس نیست.

تیرماه سال جاری نیز، زانیار حسنزاده پس از دو بار احضار و بازداشت توسط نیروهای امنیتی با اخذ تعهد کتبی آزاد شده بود.

عکس از (راست به چپ): سامان مسنزاده، مسیب مسنزاده، پیشوا شاداب و زانیار مسنزاده

خودکشی یک کودک کار در ارومیه



روز یکشنبه دوم مردادماه، یک کودک کار به نام "متین مصطفایی" ۱۰ ساله فرزند ایوب اهل روستای "روستای چاورش" از توابع منطقه باراندوز ارومیه دست به خودکشی زده و جان خود را از دست داد.

به گفته یک منبع مطلع، این کودک در یک مغازه مشغول کار بوده و پس از اختلاف با پدرش و ضرب و شتم وی توسط پدرش اقدام به خودکشی کرده است.

این منبع مطلع افزود: این کودک ۱۰ ساله از طریق حلق آویز کردن دست به خودکشی زده و جنازه وی به بیمارستان آذربایجان ارومیه منتقل شده است.

این منبع مطلع اظهار داشت: به دلیل آثار ضرب و شتم بر بدن متین مصطفایی تاکنون پزشکی قانونی جسد وی را به خانواده‌اش تحویل نداده است.

کشته و زخمی شدن دو برادر کولبر در مرز شهرستان بانه



شامگاه روز شنبه یکم مردادماه، یک کولبر به نام "سعدالله یونسی" بر اثر شلیک نظامیان حکومتی در مرز بانه جان خود از دست داد و یک کولبر دیگر به نام "علی یونسی" به شدت زخمی شد.

نظامیان حکومتی این دو کولبر را که برادر همدیگر هستند، بدون اخطار قبلی در مرز "مالته و گله‌سور" بانه آنها را مورد تیراندازی قرار داده‌اند.

سعدالله یونسی بر اثر شدت جراحات وارده جان باخته و علی یونسی که در این حادثه از ناحیه ران به شدت زخمی شده در بیمارستان صلاح‌الدین ایوبی بانه تحت مداوا پزشکی می‌باشد.

سعدالله یونسی متأهل و علی یونسی مجرد است.

این دو کولبر فرزندان حسین اهل روستای "گله‌سور" از توابع بانه می‌باشند. عکس از راست به چپ: علی و سعدالله یونسی

اشنویه؛ سینا مینایی به شش سال حبس محکوم شد



یک جوان کرد به نام "سینا (کریم) مینایی" فرزند مصطفی اهل روستای "سوجه" از توابع اشنویه از سوی دادگاه انقلاب این شهرستان به سه سال حبس تعزیری و سه سال حبس تعلیقی محکوم شد.

دادگاه این شهروند را به "همکاری و عضویت در یکی از احزاب کرد اپوزیسیون حکومت ایران" متهم کرده است.

این حکم امروز یکشنبه نهم مردادماه به آقای مینایی ابلاغ شده است. روز یکشنبه بیست و هشتم آذرماه ۱۴۰۰، این جوان با تودیع قرار وثیقه ۳۰۰ میلیون تومانی به شیوه موقت تا پایان مراحل دادرسی از یکی از بازداشتگاه‌های امنیتی در ارومیه آزاد شد.

این شهروند طی مدت بازداشت از "دسترسی به وکیل" و "ملاقات با خانواده" محروم بوده است.

روز سه‌شنبه یازدهم آبان‌ماه ۱۴۰۰، سینا مینایی به همراه یک جوان دیگر به نام "عبدالله یوسفی" اهل روستای "سوجه" از توابع اشنویه از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و جهت بازجویی به یکی از بازداشتگاه‌های امنیتی در ارومیه منتقل شده بود.

سینا مینایی سال ۹۹ نیز به اتهام "همکاری با یکی از احزاب کرد اپوزیسیون حکومت ایران" بازداشت و پس از اتمام دوران بازجویی با تودیع قرار وثیقه آزاد شده بود.

سندج؛ ریبوار عبدالمی، فعال کارگری به دو سال حبس تعلیقی محکوم شد



ریبوار عبدالمی، فعال کارگری اهل سندج از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب این شهر به ریاست قاضی "سعیدی" به دو سال حبس تعلیقی محکوم شد.

این فعال کارگری به اتهام "تبلیغ علیه نظام" به دو سال حبس تعلیقی محکوم و از اتهام "عضویت در یکی از احزاب کرد اپوزیسیون حکومت ایران" تبرئه شده است.

این حکم امروز سه‌شنبه چهارم مردادماه رسماً به این فعال کارگری ابلاغ شده است.

جلسه دادگاهی ریبوار عبدالمی روز ششم تیرماه در شعبه اول دادگاه انقلاب سندج برگزار شده بود.

روز چهارشنبه هجدهم اسفندماه ۱۴۰۰، این فعال کارگری با تودیع قرار وثیقه ۱۵۰ میلیون تومانی به شیوه موقت تا پایان مراحل دادرسی از زندان سندج آزاد شده بود.

آقای عبدالمی پس از اتمام دوران بازجویی از بازداشتگاه اداره اطلاعات سندج به زندان این شهر منتقل شده بود.

ریبوار عبدالمی پس از بازداشت از "ملاقات با خانواده" و "دسترسی به وکیل" محروم بوده است.

روز یکشنبه دهم بهمن‌ماه ۱۴۰۰، این فعال کارگری پس از خروج از منزل شخصی بدون ارائه حکم قضایی توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد.

ریبوار عبدالمی، عضو سابق کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری بوده و سال ۱۳۹۳ نیز توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود و از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب سندج به ریاست قاضی "سعیدی" به اتهام "عضویت در کمیته هماهنگی و همکاری با احزاب اپوزیسیون حکومت ایران" به یکسال حبس تعزیری محکوم شده بود.

ریبوار عبدالمی، از اتهام "عضویت در یکی از احزاب کرد اپوزیسیون حکومت ایران" تبرئه و به اتهام "تبلیغ علیه نظام" و حضور در روز جهانی کارگر، به دو سال حبس تعلیقی محکوم شد.

دو کودک مریوانی بر اثر شلیک مأموران نیروی انتظامی در جاده خرم‌آباد جان خود را از دست دادند



شامگاه روز یکشنبه نهم مردادماه، مأموران نیروی انتظامی خودروی شخصی یک شهروند کرد به نام "رحمان راشدی منش" اهل روستای "قلقله" از توابع مریوان را در جاده خرم‌آباد مورد شلیک قرار داده و در پی شلیک این مأموران دو عضو این خانواده جان خود را از دست دادند.

به گفته یک منبع مطلع، در این حادثه، مهدی و متین راشدی منش ۹ ساله و ۱۳ ساله جان خود را از دست دادند و پدر و مادر آنان بازداشت شدند.

این منبع مطلع اظهار داشت: مأموران نیروی انتظامی بدون اخطار قبلی در ایست بازرسی فیروزآباد خودروی این شهروند را مورد تیراندازی قرار دادند.

این منبع مطلع افزود: وضعیت عمومی رحمان و هما پدر و مادر این دو کودک وخیم گزارش شده است.

تا لحظه انتشار این خبر، از دلیل شلیک مأموران نیروی انتظامی به این خانواده اطلاع دقیقی در دسترس نیست.

متین حسونند، زندانی سیاسی اهل اشنویه خودکشی کرد



روز چهارشنبه پانزدهم تیرماه، متین حسونند، زندانی سیاسی اهل شهرستان اشنویه با اقدام به خودکشی به زندگی خود پایان داد.

این زندانی روز سه‌شنبه چهاردهم تیرماه به مرخصی اعزام و روز چهارشنبه پانزدهم تیرماه از طریق حلق آویز کردن اقدام به خودکشی کرده است.

این شهروند که در یکی از پادگان‌های اشنویه سرباز بوده، در سال ۹۹ به اتهام "همکاری با یکی از احزاب کرد اپوزیسیون حکومت ایران" توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود.

این زندانی پس از اتمام دوران بازجویی از یکی از بازداشتگاه‌های ارومیه به زندان این شهر منتقل شده بود.

متین حسونند سپس از سوی دادگاه انقلاب ارومیه به اتهام "عضویت و همکاری با یکی از احزاب کرد اپوزیسیون حکومت ایران" به پنج سال حبس و تبعید به زندان ماکو محکوم شده بود.

آقای حسونند پس از قطعیت یافتن دوران محکومیت خود در دادگاه تجدیدنظر از زندان ارومیه به زندان ماکو تبعید شده بود.

منبع کردپا در اشنویه اعلام کرد جنازه متین حسونند به بیمارستان اشنویه منتقل و تاکنون به خانواده‌اش تحویل داده نشده است.

تاکنون از دلیل خودکشی این زندانی سیاسی اطلاع دقیقی به دست نیامده است.

احضار علی صادقی و خان‌عزیز اسماعیلی به دادگاه انقلاب کرمانشاه

علی صادقی و خان‌عزیز اسماعیلی از اعضای انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه به شعبه اول دادگاه انقلاب این شهر احضار شدند.

براساس ابلاغیه‌ای که این دو فعال صنفی دریافت کرده‌اند باید در وقت مقرر جهت رسیدگی به اتهامات مطروحه در دادگاه حاضر شوند.

این دو معلم به "اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت داخلی/ خارجی کشور" متهم شده‌اند.

اردیبهشت‌ماه سال جاری، پرونده علی صادقی و خان‌عزیز اسماعیلی به شعبه ۴ بازپرسی دادرسی عمومی و انقلاب کرمانشاه ارجاع شده بود.